

بررسی تجربی رابطه بین محافظه کاری حسابداری و میزان حساسیت عملکرد نسبت به پاداش مدیر اجرایی

دکتر حبیب اله نخعی

استادیار گروه حسابداری، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

Habibollahnakhaei@yahoo.com

محمدعلی میری

کارشناسی ارشد حسابداری، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران. (نویسنده مسئول).

mahmirm24@yahoo.com

چکیده

هدف از این مقاله بررسی رابطه بین محافظه کاری حسابداری و میزان حساسیت عملکرد نسبت به پاداش مدیر اجرایی با توجه به تاثیر محافظه کاری حسابداری بر بهره وری قراردادهای پاداش مدیر اجرایی است. این مطالعه با استفاده از مدل رگرسیون چندگانه بر اساس رویکرد اینگار و زامپلی (۲۰۱۰)، کلارکسون و همکاران (۲۰۱۱) و هوانگ و کیزگن (۲۰۱۳) با داده های تمامی شرکت های غیر مالی مالی ثبت شده در چین در طول ۱۰ سال به بررسی رابطه بین محافظه کاری حسابداری و حساسیت عملکرد به پاداش مدیر اجرایی می پردازد. نتایج این مطالعه رابطه مثبت بین پاداش مدیر اجرایی و اندازه گیری عملکرد مبتنی بر حسابداری را نشان می دهد. مهمتر از همه، نتایج نشان داد که محافظه کاری با میزان حساسیت عملکرد به پاداش مدیر اجرایی، پس از کنترل تعدادی از عوامل خاص شرکت و متغیرهای کنترل، رابطه مثبتی دارد. این مطالعه نشان می دهد که میزان حساسیت پاداش مدیر اجرایی به عملکرد شرکت در شرکت هایی با محافظه کاری حسابداری بالاتر، بیشتر است. این تحقیق یکی از مطالعات اندکی است که به بررسی رابطه بین محافظه کاری حسابداری و میزان حساسیت عملکرد به پاداش مدیر اجرایی می پردازد. این مطالعه شواهدی را برای این استدلال ارائه می دهد که محافظه کاری حسابداری، که یک ساز و کار حکومتی کارآمد است، می تواند با کاهش ریسک اطلاعات و ریسک اخلاقی در راستای حل مشکلات سازمان کمک کند.

واژگان کلیدی: محافظه کاری حسابداری، عملکرد شرکت، حاکمیت شرکتی، پاداش اجرایی، مشکلات سازمان، حساسیت عملکرد نسبت به پاداش مدیر اجرایی

بیان مساله

تفکیک مالکیت و کنترل باعث ایجاد مشکلات نمایندگی و در نتیجه عدم تقارن اطلاعات بین مدیران و سهامداران می شود. سهامداران برای کاهش اثرات عدم تقارن اطلاعات، تقاضای حسابداری محافظه کارانه می کنند (لافورد و واتز، ۲۰۰۸). حسابداری محافظه کارانه، که به عنوان سیاست های گزارشگری مالی یا گرایش هایی که منجر به سوگیری نزولی ارزش دارایی خالص حسابداری نسبت به ارزش دارایی خالص اقتصادی (راچ و تالوی، ۲۰۱۵) تعریف می شود، یک سازوکار بالقوه برای رفع مسائل نمایندگی است (باسو، ۱۹۹۷؛ وات، ۲۰۰۳؛ لافوند و روچودهوری ۲۰۰۸؛ گارسیا لارا و همکاران، ۲۰۱۶). این امر به این دلیل است که خود حسابداری وظیفه اصلی ارائه اطلاعاتی را به عهده دارد که به طرف